



۲۰۱۸/۰۷/۳۰

خلیل الله ناظم باختری

## رقص سماع

دست ما و دامن مولای ما  
رقته بود و باز بالا می رود  
رقص رقصان تا ثریا و سما  
با یکایک رهروان راستین  
آنچه مولانای ما داند بسی  
عالم علم الیقین دادگر  
واقف از اصل وجود ذات حی  
در صف نام آوران روزگار  
راه مولانا، که راه مُصطفاست  
روشنائی دارد و سر تا قدم  
خلقت انسان از روی ادب  
معنی اسلام تسلیم بودن است  
طالب و ملا، که در فکر خطاست  
قتل و گشتن در خور انسان نیست  
مُسلم و کافر، که انسانند و بس

می روم همراه مولانای ما  
از زمین تا صدر اعلا می رود  
با سماع و با فلاح و با نوا  
اولین و آخرین و واپسین  
در جهان دیگر نمی داند کسی  
با کتاب و با نصاب و مُعتبر  
گرچه پیغمبر نباشد نام وی  
با تجلی می شود نقش و نگار  
راه عقل و دانش و راه خداست  
زندگانی هست بیدون عدم  
حکمت است و رحمت است و نی غضب  
لوح محفوظ است از روز الست  
روز و شب فتوای ایشان نارواست  
لایق دیو و دد و حیوان نیست  
در حقیقت رشته جانند و بس

هرچه باشد آدمیزاده یکیست

{ناظما} تفریق بین شان ز چیست